

تحلیل گفتمان میرزا ملکم خان پیرامون مفهوم آزادی در انقلاب مشروطیت

بهمن احمدی^۱

سید اسمعیل حسینی گلی^{*۲}

عبدل حسین الله کرم^۳

محمد رحیم عیوضی^۴

چکیده

انقلاب مشروطیت در ایران، بعنوان یک نقطه عطف در تاریخ سیاسی کشور علاوه بر تحولات گسترده سیاسی - اجتماعی مفاهیم نوینی همچون عدالت، قانون و آزادی و... را وارد ادبیان سیاسی ایران نمود. در این بین «آزادی»، که مفهوم و ابعاد آن همواره در علوم انسانی از چالش برانگیزترین مباحث علمی بوده، در دوران مشروطیت نیز رهیافت‌های گوناگونی در مطالعه، معنا، برداشت و ابعاد آن پدید آمد و اندیشمندان و رهبران مذهبی و کنشگران سیاسی کشور، نگاه متفاوتی به این مفهوم اساسی فلسفه سیاسی ابراز داشتند و هرکس بر حسب مبانی فکری خویش و با گرایشی که ملتزم به آن بوده، آزادی را تعریف کرده و برداشت خود از آزادی را بیان می‌داشت. با این وصف تحلیل گفتمان اندیشمندان مختلف پیرامون مفهوم آزادی می‌تواند ما را به درک و شناخت دقیق‌تر از مبانی فکری طیف مربوط به آن اندیشه آگاه تر سازد. بر این مبنا در این مقاله کوشش شده تا گفتمان یکی از شخصیت‌های برجسته دوران مشروطیت، از طیف روشنفکران غربگرا پیرامون مفهوم و ابعاد «آزادی» یعنی «میرزا ملکم خان» مورد تحلیل قرار گیرد. در تحقیق حاضر که به روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف به انجام رسیده این نتایج به دست آمد که دال مرکزی تفکر میرزا ملکم خان در رابطه با گفتمان آزادی، قانون، امنیت و نظم خواهی است. در بررسی و تحلیل گفتمان میرزا ملکم خان پیرامون آزادی در انقلاب مشروطیت این گفتمان را با مفاهیمی همچون «ممانعت از استبداد»، «دستیابی به حکومت قانون»، «محدود شدن سلطنت»، «آزادی زبان و خیال» و «آزادی جماعت» می‌توان مفصل بندی نمود.

واژگان کلیدی: روش تحلیل گفتمان، انقلاب مشروطیت، آزادی، میرزا ملکم خان، قانون، نظم خواهی

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. استادیار علوم سیاسی گرایش سیاست گذاری عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)

* ehgoli@gmail.com

۳. استادیار علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۴. استاد گروه علوم سیاسی و مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۴

مقدمه

مفهوم آزادی در معنای سیاسی و اجتماعی آن، مفهومی است نوین‌یاد که در عصر تجددخواهی ایران در گفتمان سیاسی تجددخواهان و روشنفکران ایرانی تکوین یافت. در ایران مفهوم جدید آزادی برای نخستین بار در جریان شکل‌گیری جنبش مشروطیت، در صدر شعارهای نخبگان و مردم قرار گرفت. هرچند که باید گفت ردپای این مفهوم را در آراء و نظریات روشنفکران و روحانیون عصر ناصری نیز می‌توان مشاهده نمود. اما توجه عمیق و عملی به این مفهوم و همه‌گیر شدن آن را باید در نخستین سالهای پس از پیروزی انقلاب مشروطه و طی فرآیند تصویب قانون اساسی پی گرفت.

انقلاب مشروطیت بخش عبرت‌آموزی از تاریخ ایران است. این انقلاب در تاریخ ایران و تشیع، نهضتی بی‌مانند است، و با خیزش‌ها و حرکت‌های پیشین مردم این سرزمین، تفاوت‌های بسیار دارد. نهضت مشروطه خواهی، نخستین رویارویی مستقیم فرهنگ سنت اسلامی - ایرانی با مدرنیته در ایران بود. در تمام تاش‌های سابق مانند قیام تنباکو و دیگر کوشش‌هایی که در جهت نوسازی و هماهنگی با تحولات عصر جدید صورت گرفت، برخوردها چندانی با ارزش‌های جدا افتاده سنتی درگیر و رویارویی نمی‌شد. در جریان این انقلاب مردم با مفاهیمی چون «حق»، «آزادی»، «قانون»، «برابری» و... آشنا شدند و دیگر سلطان را سایه خدا در زمین نمی‌دانستند. این تغییرات در ایران سنتی، بخصوص اینکه بسیاری از روحانیون را که از جمله اقدار سنتی ایران بودند، درگیر خودساخته بود، از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین اهمیت این تحقق با توجه به خصلت تکرار شونده رخدادهای تاریخی و تغییرات مستمر در نظام سیاسی ایران معاصر آشکار خواهد شد.

اگر این مفهوم از جامعه‌شناسی معرفت را بپذیریم که پژوهش‌های جامعه‌شناسی در پی رهنمونی محقق به فهم عمیق اندیشه‌ها در بستر تمایزات ریز و درشت اجتماعی است. آنگاه در مقام بررسی و فهم جریان‌ها اندیشه‌اندیشمندان ایران اسلامی مخصوصاً در یکصد سال اخیر این نکته کلیدی را پیش پای هر محقق قرار خواهد داد که بتواند تمایزات، اختلافات، چالش‌ها و حتی تخریب‌های درون واحد ملی ایران را بفهمد و

مهم‌تر از آن حتی این رویکرد می‌تواند ما را به تمایزات افراد در درون یک جریان یاری نموده که تحقیق حاضر با انتخاب میرزا ملکم خان (به عنوان نمونه‌ای از یک روشنفکر تجددخواه) که نماینده طیف روشنفکران غربگرا در بین جریان‌های اثرگذار در وقوع انقلاب مشروطیت و مسائل و موضوعات پس از آن، شناخته می‌شوند این سؤال را مطرح خواهیم نمود که دال مرکزی گفتمان میرزا ملکم خان پیرامون مفهوم، مبنا، ابعاد و مسائل مربوط به گفتمان آزادی در - دوران مشروطیت چیست و نظام معنایی خود را چگونه حول دال مرکزی مفصل بندی می‌کنند؟ به هر ترتیب در مقاله حاضر تلاش خواهد شد تا به روش تحلیل گفتمان زوایای مختلف و پنهان تفکرات این اندیشمند اثرگذار در جامعه ایرانی دوران انقلاب مشروطیت و پس از آن روشن شده و دال مرکزی گفتمان وی پیرامون مفهوم آزادی تعیین و مشخص گردد که میرزا ملکم خان به عنوان نماینده یکی از گروه‌های سیاسی دوران خویش، نظام معنایی خود را چگونه حول دال مرکزی مفصل بندی می‌کنند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر نوع، توصیفی - تحلیلی و روش آن «تحلیل گفتمان» می‌باشد. در تحلیل گفتمان، تحلیلگر «به بررسی راه‌هایی می‌پردازد که در آن ساختارهای معانی، نحوه خاصی از عمل را امکان پذیر می‌کنند.» تحلیلگر برای این کار، برای درک چگونگی تولید، کارکرد و تحول گفتمان‌هایی تلاش می‌کند که فعالیت‌های کارگزاران اجتماعی را ساخت می‌دهند (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۱۹۶). و محصول هر گفتمان را به صورت یک «بافت هم پیوند» ارائه می‌کند. ساخت و نظامی که از هر گفتمان برمی‌آید، از یک سو با مفصل بندی آن گفتمان ارتباط تنگاتنگی دارد و از سوی دیگر، بر ساخته‌هایش دارای «انسجام معنایی» هستند که در بافت اجتماعی، سیاسی و حقوقی تبلور می‌یابند (مک دانل، ۱۳۸۰: ۵۶).

یکی از مهم‌ترین رویکردها در روش تحلیل گفتمان، رویکرد «لاکلا و موف» است. به نظر آن‌ها، هر پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد و پدیده‌ها زمانی قابل فهم می‌شوند که در قالب گفتمان خاصی قرار گیرند. هیچ چیزی به خودی خود، دارای

هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمان خاص کسب می‌کند، این روش معنا، سیاست و اجتماع را با هم ترکیب می‌کند و یک جا به تحلیل آن‌ها می‌پردازد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۸). یکی از مفاهیم مهم در این روش، مفهوم «دال» است. دال‌ها، نشانه‌های مهمی هستند که با آن‌ها، گفتمان هویت پیدا می‌کنند. دال‌ها یا نقاط مرکزی هر گفتمان، بر دوگونه هستند: «مرکزی» و «شناور». دال مرکزی - که سایر نشانه‌ها حول آن نظم می‌یابند - به حالتی اشاره دارد که معنای نشانه‌ای به طور موقت، به حالت «انسداد یا توقف» در آمده است. نیروهای جاذبه این هسته، سایر نشانه‌ها را به خود جذب می‌کنند و سامان می‌دهند و مفاهیمی که در یک گفتمان مفصل بندی می‌شوند، حول یک مفهوم یا دال مرکزی شکل پیدا می‌کنند. در حالی که دال شناور به حالتی اشاره دارد که نشانه در میدان مبارزه گفتمان‌های متفاوت برای تثبیت معنا، شناور و معلق است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۱؛ حقیقت و حسین زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

مفصل بندی، عملی است که طی آن، میان عناصر مختلف، ارتباط برقرار شود و در نتیجه این ارتباط، هویت آن عناصر تعدیل می‌شود یا تغییر می‌کند. لاکلا و موف، کلیت ساختار یافته ناشی از عمل مفصل بندی را «گفتمان» نامیده‌اند (میرزایی و ربانی خوراسگانی، ۱۳۹۳: ۲۶). نکته اساسی و محوری در مفصل بندی یک گفتمان، دال مرکزی است. هر گفتمانی، ایده‌ها و مفاهیم خود را از طریق استخدام دال‌ها و نشانه‌هایی انجام می‌دهد. این نشانه‌ها، به طور مقطعی، حول یک نقطه یا دال مرکزی تثبیت می‌شوند. نقطه مرکزی، نشانه یا دال برجسته و ممتازی است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و به هم مفصل بندی می‌شوند (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۲).

روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر کتابخانه‌ای بوده و تلاش خواهد شد تا با بهره‌گیری از منابع و متون نوشتاری و افکار و اندیشه‌های مکتوب و منقول از میرزا ملکم خان و نیز سایر منابع و متون مرتبط با موضوع، اطلاعات لازم به صورت هدفمند و کامل گردآوری شود. ابزار گردآور اطلاعاتی از طریق مطالعه دقیق و هدفمند منابع و متون نوشتاری و کتابخانه‌ای خواهد بود. با توجه به روش تحقیق حاضر که روش «تحلیل گفتمان» است، روش توصیف و تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از طریق روش «لاکلا و موف» خواهد بود.

پیشینه تحقیق

بررسی‌های انجام شده گویای این است که تاکنون تحقیق خاصی با عنوان «تحلیل گفتمان میرزا ملکم خان پیرامون مفهوم آزادی در انقلاب مشروطیت» به انجام نرسیده با این حال برخی تحقیقات مرتبط در این زمینه صورت پذیرفته که در ذیل به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های مذکور اشاره خواهد شد:

- افسرده و همکاران، ۱۳۹۷، در مقاله ای با عنوان «واکاوی جایگاه حقوق طبیعی فرد در قانون اساسی مشروطه» معتقدند حقوق فردی یکی از مهم‌ترین مباحث در اندیشه سیاسی و نیز حقوقی جدید است. با تعریف حقوق طبیعی برای فرد، جایگاه آن در نظام‌های سیاسی و فکری متحول شد و مسائلی چون آزادی فردی، آزادی بیان، آزادی اجتماعات، برابری سیاسی و اجتماعی و نظایر آن در صدر اصولی قرار گرفت که قوانین اساسی کشورها با آن نوشته می‌شد. در ایران نیز، ورود مفاهیم جدید، از دوره قاجار، ابتدا در نوشته‌های سیاسی و انتقادی، و در نهایت، در متمم قانون اساسی مشروطه تبلور یافت. مفاهیمی چون آزادی و برابری، دال‌هایی بودند که در مفصل‌بندی با دال قانون‌خواهی و مشروطه در گفتمان مشروطه‌خواهی قرار گرفتند. در این مقاله، با استفاده از روش گفتمان لاکلا و موف، این مفصل‌بندی بررسی می‌شود. فرضیه اصلی این مقاله آن است که گسترش اندیشه آزادی و برابری پیش از مشروطه، نقش مهمی در شکل‌گیری گفتمان مشروطه‌خواهی داشت.

- شاه علی، مریم، ۱۳۹۵، در پایان نامه ای با عنوان «مطالعه تطبیقی آراء ملکم خان و آخوندزاده در باب حکومت» که برای اخذ درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز به انجام رسیده بیان داشته که میرزا ملکم خان یکی از متفکران تاثیرگذار در نهضت مشروطه در ایران است. او نخستین اندیشمندی بود که مفهوم قانون را در ایران رواج داد و با انتشار روزنامه "قانون" بسیاری از مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را مطرح و مردم را با حقوق خود آگاه نمود. بدلیل تلاش ملکم در جهت تهیه "رساله تنظیمات" مشیرالدوله صدراعظم به او لقب "نظام الدوله" داد. یکی دیگر از شخصیت‌های سیاسی دوران قاجار، میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۲۲۷ تا ۱۲۹۵ ه.ش) است وی در عرصه نگارش، فردی فعال بود و رساله‌ها و

نمایشنامه‌های بسیاری را خلق نمود. وی از پیشگامان نمایشنامه نویسی در ایران است محتوای آثار وی نکوهیدن دیانت و مقدسات مسلمانان و به سخره گرفتن عقاید دینی و خرافه خواندن آن‌هاست. وی به‌علاوه در زمینه استبداد نیز سخن می‌گوید و برخی اوقات حرف از قانون محوری می‌زند. مذمت برخی سیاستمداران عهد قاجار نیز محور برخی از آثارش است. او همچنین معتقد به حقوق آزادی، قانون و مساوات بود و در سیاست نگاه ناسیونالیستی، ملی‌گرای، دیسپوتیسم و سکولار داشت. ملکم خان و آخوندزاده از ضرورت تأسیس مجلس برای مقابله با حکومت استبدادی سخن گفته‌اند و پیش طرح قوانین در مجلس شورای ملی را داده‌اند.

- سلیمانی دهکردی، کریم؛ رفعتی پناه مهرآبادی، مهدی، ۱۳۹۳، در مقاله ای با عنوان «مفهوم آزادی نزد روشنفکران ایرانی پیش از انقلاب مشروطه» عنوان داشته‌اند که از زمان آشنایی ایرانیان با غرب در دوره قاجار، آزادی به عنوان مفهومی اعتباری به کار رفت که معنا و تعریفی خاص و متفاوت از گذشته داشت. در این معنا، روشنفکران دوره قاجار؛ به خصوص عهد ناصرالدین شاه سهم بسزایی در وارد کردن این مفهوم و تطبیق آن با فرهنگ جامعه اسلامی- ایرانی داشتند. این پژوهش در صدد است تا با واکاوی مفهوم آزادی در آثار متفکران غربی، به مسیر انتقال این مفهوم به ایران، تعریف آن و چگونگی تلاش اندیشه‌گران ایرانی برای تطبیق این مفهوم با فرهنگ جامعه ایرانی بپردازد و نشان دهد که ظهور اندیشه‌ها و مفاهیم نوآیین؛ از جمله مفهوم آزادی در دوره مشروطه، دارای پیشینه‌ای قابل توجه در ایران و اسلام بوده و اندیشه‌گران ایرانی، با استفاده از ظرفیت‌ها و داشته‌های فرهنگ خودی، سعی در ارائه تعریفی از آن مطابق با جامعه ایرانی داشته‌اند.

- محمودی، عبدالصمد، ۱۳۹۰، در پایان نامه ای با عنوان «سیر تحول مفهوم آزادی در مطبوعات ایران (مطالعه تطبیقی انقلاب مشروطه و اسلامی با تأکید بر دو روزنامه صوراسرافیل و کیهان)» که برای اخذ درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه علامه طباطبایی به انجام رسیده بر آن بوده تا با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی و استخراج مفاهیم و مقولات مورد نظر در سه سطح توصیف، تفسیر، تبیین و با تکیه بر نظریه آزادی مثبت و آزادی منفی از آیزایا برلین و تئوری‌های انقلاب،

نشان دهد که معنایی که از مفهوم آزادی در این دو دوره استنباط می‌شده است به کدامیک از مفاهیم برلینی نزدیک است؟ و این برداشت بخاطر وجود چه شرایطی بوده است؟ متونی که برای این تحقیق انتخاب شد، استخراج شده از دو روزنامه مهم و پرتیراژ این دو دوره یعنی صوراسرافیل برای مشروطه و کیهان برای انقلاب است. پس از بررسی متون مورد انتخاب در این تحقیق و استخراج اطلاعات مورد نظر و مطابقت آن با بسترها و زمینه‌های سیاسی - اجتماعی دو دوره مورد بررسی، به این نتیجه رسیدیم که معنایی که از مفهوم "آزادی" در دوره مشروطه استنباط می‌شده به مفهوم "منفی" برلینی آن نزدیک بوده است و در دوران انقلاب اسلامی، معنایی که از مفهوم آزادی استنباط می‌شده است به مفهوم "مثبت" برلینی نزدیک بوده است. این مسئله را شاید بتوان حاصل عوامل مختلفی دانست که از جمله آن‌ها می‌توان به این مسئله اشاره کرد که در دوره مشروطه؛ عمده روشنفکران و روحانیون مشروطه نگاهی مثبت به غرب و گفتمانی که در غرب حاکم بوده است، داشتند. و بیشتر در پی جواب به این سؤال بودند که علت پیشرفت غربی‌ها و عقب ماندگی ما ایرانیان چیست؟ و بدین گونه برای رفع این عقب ماندگی، بعضاً حتی برخی از آنان نوعی نگرش شیدا گونه نیز به غرب و فلسفه آن پیدا می‌کردند. اما وقتی به دوران انقلاب اسلامی نگاه می‌کنیم، خواهیم دید که این مسئله برعکس شده و نگاهی که عمده ایرانیان به غرب و فلسفه آن داشتند، منفی بود. تا جاییکه حتی چندین سال قبل از وقوع انقلاب اسلامی توسط عده ای از نویسندگان و روشنفکران شعار بازگشت به خویشتن سر داده می‌شود.

- دیناروند، زهرا، ۱۳۸۹، در پایان نامه ای با عنوان «بررسی اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی میرزا ملکم خان در روزنامه قانون» که برای اخذ درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه اصفهان به انجام رسیده عنوان می‌دارد در دوران قاجار نظام اداری و سیاسی کشور وضع نابسامانی داشت. شماری از روشنفکران و اندیشمندان با مقایسه تطبیقی ایران و اروپا، الزام ایجاد تحولاتی همانند آنچه در جهان رخ داده بود را برای ایران احساس می‌کردند. میرزا ملکم یکی از همین افراد بود که ضمن تحصیل در اروپا با اصول دموکراسی و اصلاحات سیاسی و اقتصادی آن دیار آشنایی پیدا کرده و عدم

این روند را در ایران و دربار ناصرالدین شاه به شدت احساس کرد. وی در طی بدنامیش بخاطر امتیاز لاتاری و در نتیجه عزل از کلیه مناصب، دست به نوشتن روزنامه قانون زده، در این روزنامه اصول و روش‌هایی در زمینه حکومت، مقام سلطنت، وضع و اجرای قانون و راهکارهای اقتصادی ارائه داد و در کل همه این اصول را در قالب قانون قابل اجرا می‌دانست. آنچه مهم است این است که چرا یکی از بزرگ‌ترین منتقدان دولت ناصری از جمله کارگزاران معزول این دولت شد؟ این تحقیق بر آن است به تحلیل و بررسی اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی میرزا ملکم خان در روزنامه قانون پردازد. همچنین رابطه او با دربار ناصرالدین شاه و تأثیر اندیشه‌هایش بر بیداری افکار و جنبش مشروطه را روشن سازد. نوشته‌های ملکم بر افکار کسانی که با افکارش آشنایی داشتند و حتی بر ذهن برخی درباریان اثر گذار شد. به نحوی که اندیشه‌ها را در راستای پیشبرد جریان انقلاب مشروطیت جهت داد. همانگونه که مشاهده می‌شود عمده تحقیقات مشابه صورت پذیرفته هر چند اشاراتی جزئی به موضوع بحث این نوشتار داشته‌اند اما برخی از تحقیقات در مقام تحلیل تاریخی شخصیت میرزا ملکم خان و یا بررسی اقدامات مرتبط با روزنامه نگاری و فعالیت‌های دیگر سیاسی‌اش داشته‌اند. از این رو مقاله حاضر اولاً به جهت تحلیل گفتمانی، ثانیاً تمرکز بر موضوع آزادی سیاسی و ریشه‌یابی شخصیت‌های نشر دهنده افکار آزادیخواهانه و ثالثاً ارائه تصویری روشن از اختلافات پیرامون مفهوم آزادی در دوران تأثیر گذار مشروطیت در تاریخ سیاسی ایران واجد بداعت و نوآوری است.

آزادی در دوران مشروطیت

موضوع و مفهوم «آزادی» از مهم‌ترین دغدغه‌های بشریت در طول حیات فکری سیاسی و اجتماعی بوده است. هر یک از متفکران سیاسی و اجتماعی به انحاء گوناگون کوشیده‌اند به تعریف و تبیین حدود و ثغور امر آزادی در عرصه عمومی و زندگی خصوصی بپردازد. در دوران انقلاب مشروطیت، اساساً سه دیدگاه در خصوص مفهوم آزادی مطرح بود: دیدگاه روشنفکران غربگرا؛ دیدگاه مشروطه خواهان دینی و دیدگاه مشروعه خواهان. از میان این دو دیدگاه اخیر، در بنیادها و مبانی مفهوم «آزادی» اختلاف

اساسی وجود نداشت و اختلاف ظاهری آن‌ها در فضای مشروطه، معلول سه عامل ذیل بود (حشمتی، ۱۰۸:۱۳۸۳):

۱. بینش اجتهادی که بر اساس آن اختلاف در مصادیق رخ می‌داد.
۲. قرب وبعد نسبت به مرکز حوادث

هر چند به عقیده برخی نویسندگان، درباره دلایل اختلاف علما و مجتهدان در نهضت مشروطیت دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متعارضی طرح شده است. شماری به مبانی دین شناسی و انسان شناسی آنان تمسک جسته و معتقدند هرکدام از آنان با توجه به معلومات پیشین خود در مورد مشروطه اظهار نظر کرده است و از آنجا که دیدگاه‌هایشان در مورد دین و انسان و پیشینه فکری آن‌ها با یکدیگر متفاوت بوده است به نتیجه‌گیری دیگرگونه‌ای رسیده و بنابراین در این باره اختلاف نظر پیش آمده است (آبادیان، ۱۳۷۴: ۴۰). به رغم این سطوح اختلاف، هر دو گروه در پی تحقق و اجرای احکام اسلامی بودند که مستلزم نفی استبداد و استعمار بود این در حالی است که گروه نخست (روشنفکران غربگرا) از اصل و اساس در بحث آزادی با دو گروه دیگر تفاوت ریشه‌ای و اساسی داشت. از سویی دیگر میرزا ملکم‌خان، شخصیتی پیچیده و بحث‌برانگیز دارد که با ورود به عرصه سیاست دست به خلق آثاری زد که برای تاریخ اندیشه سیاسی مهم به حساب می‌آیند. او پیشرو و مبلغ تجددخواهی در ایران بود و از اقتباس بی‌کم و کاست از تمدن غربی هواداری می‌کرد و ضمن پایبند نشان دادن خود به حکومت سلطنتی، از اندیشه آزادی خواهی و حکومت قانون دفاع می‌کرد. فرضیه این تحقیق بر این مبنا استوار است که دال مرکزی تفکر میرزا ملکم خان در خصوص گفتمان آزادی، قانون و نظم خواهی است. ملکم با تحلیل مفهوم قانون از نوعی «اختیار آزادی زبان و قلم» صحبت به میان می‌آورد که نشان دموکراسی است. در نتیجه بحث از قانون منجر به بحث از آزادی می‌شود و قانون و آزادی متقابلاً برای بنیان گرفتن به یکدیگر نیاز دارند و یکی بدون دیگری فرض محال است. برای ملکم قانون و آزادی مستلزم یکدیگر است و همین اعتقاد مهم‌ترین اصل نظام پیشنهادی او و زیربنای تمام افکار او است. در این میان فعالیت‌های وی به عنوان یک کنشگر سیاسی آثار گوناگونی را در روند نهضت و جامعه آن روز برجای گذاشت. نوع برخورد با افکار و اندیشه‌های وی و

جایگاه و نقشی که در برهه خاص آن زمان داشت؛ بایست به شکل دقیق و علمی مورد بازخوانی و تحلیل قرار گیرد.

شرح حال و آثار میرزا ملکم خان

میرزا ملکم خان به سال ۱۲۴۹ هـ ق / ۱۸۳۱ م در خانواده‌ای متوسط، در جلفای اصفهان زاده شد. ملکم با علوم سیاسی و اقتصادی آشنا بود، بنیاد مدنیت غربی را می‌شناخت و سیر علوم و سیاست آن دیار را می‌دانست. اگر هم بپذیریم که او مقلد بی چون و چرای اندیشمندان غربی بوده و گفته‌ها و نوشته‌هایش را از سخنان دیگران آورده است، باز دریافت همه اندیشه آنان، هوش سرشار و تلاش بسیار می‌طلبد؛ البته آموخته‌های ملکم به دوران تحصیل محدود نماند، او پس از تحصیل به راه مطالعه افتاده و با نوشته‌های دانشوران غربی آشنا شده است. (اصیل، ۱۳۷۶: ۱۷).

زندگی ملکم را از ۱۱۲۶۷ ق/ ۱۸۴۹ م که پس از تحصیلات به ایران آمد تا ۱۳۲۶ هـ ق / ۱۹۰۸ م که در سوئیس درگذشت به پنج مرحله متمایز می‌توان تقسیم کرد.

- ۱- آغاز خدمت در دستگاه دولت از ۱۲۶۷ تا ۱۲۷۸ ق
- ۲- دوره تبعید و اقامت در عثمانی از ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۸ ق
- ۳- دوره ترقی و سفارت از ۱۲۸۸ تا ۱۳۰۶ ق
- ۴- دوران معزولی و روزنامه نگاری از ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۶ ق
- ۵- ده ساله آخر عمر از ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۶ ق

دوره شصت ساله زندگی ملکم همزمان است با دوران بسیار مهم تاریخ ایران که با عصر اصلاحات امیر کبیر آغاز گردید و به نهضت مشروطیت انجامید. ملکم تنها مرد سیاسی نامداری است که در جوانی شاهد کارهای بزرگ میرزا تقی خان بود و به هنگام پیری جنبش ملی مشروطه خواهی را دید. در سال ۱۲۶۸ هـ ق (۱۸۵۱ - ۱۸۵۲ م) میرزا ملکم خان از پاریس به تهران بازگشت. نخستین مرحله زندگی سیاسی و اجتماعی او فعالیت به عنوان مترجم در دارالفنون بود و این کار بیشتر از عهده ارامنه ای که به زبانهای روسی یا فرانسه تسلط داشته و به علوم اروپایی نیز آشنایی داشتند بر می‌آمد (نورائی، ۱۳۵۲: ۲۳-۱۳). وی هندسه و حساب تدریس می‌کرد. درس دیگر که درس

خاص بود، جغرافیا و نقاشی بود که به دوازده نفر شاگردان با استعداد یاد می‌داد و این شاگردان در این زمینه پیشرفت کرده بودند. (روزنامه وقایع اتفاقیه، ش ۹۸، ۵۸۲: ۱۳۷۴) ملکم که اصالتاً ارمنی بود و اسلام آورده بود توسط میرزا آقاخان نوری به دربار شناخته شد. پس از اتمام تحصیلات در فرانسه در مراجعت به ایران در سال ۱۲۶۹ ه. ق ۱۸۵۱ م به استخدام دارالفنون در آمد. وی ششم و بصیرت سیاسی داشت، و در مقام مترجم و مشاور سیاسی میرزا آقاخان نوری بر آمد. ناصرالدین شاه شیفته وسایل جدید فنی بود و ملکم خان که در دارالفنون به تدریس فرانسه اشتغال داشت، اولین بار هنگام دیدار ناصرالدین شاه از این مدرسه با آزمایش‌های ساده علمی شاه را تحت تأثیر قرار داد (امانت، ۱۳۷۳: ۱۳۷).

ملکم در سال ۱۲۷۲ ق / ۱۸۵۴ م وارد خدمت وزارت خارجه شد و اولین مأموریت مهم خارجی او معاونت و مترجمی فرخ خان امین الدوله سفیر فوق العاده ایران، برای حل اختلافات ایران و انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه بود. در جریان این مأموریت و هنگام اقامت هیأت نمایندگی ایران در پاریس بود که او به تشکیلات فراماسونری پیوست (طلوعی، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

در جریان امتیاز لاتاری، ملکم علاوه بر از دست دادن مناصب، حیثیت و اعتباری را که طی سال‌ها کسب کرده بود، از دست داد. طبیعی بود که برای کسب شهرت دوباره خود، همچنین انتقام از مخالفان اقدامی انجام دهد. خصوصاً اینکه، پس دادن قرضه‌ای که در ازای این امتیاز از انگلیس گرفته بود برای او مشکل می‌نمود. بنابراین دست به انتشار روزنامه قانون زد. اما اینکه وی بعد از شروع به نوشتن روزنامه، دوباره دست بدامن شاه برای گرفتن مناصب پیشین می‌شود تقوای سیاسی او زیر سؤال می‌برد. بهر حال انتشار این نوشته‌ها بر انگیزه‌ای که بود، تا حدی در بیداری مردم مؤثر واقع شد. البته پس از ناصرالدین شاه، ملکم رساله‌ای به نام اشتهاار نامه اولیای آدمیت نوشت و به ایران فرستاد. مقارن با همین ایام صدر اعظم امین السلطان معزول شد و به جای او امین الدوله که با ملکم دوستی دیرینه داشت به صدارت برگزیده شد. وی مظفرالدین شاه را نسبت به ملکم بر سر لطف آورد و او را به وزیر مختاری ایران در رم منصوب نمود. ملکم تا سال ۱۳۲۶ ه ق / ۱۹۰۸ م در این سمت باقی بود (رائین، ۱۳۴۷: ۴۹۱).

ملکم هم یک سیاستمدار، هم یک نویسنده و هم تحلیلگر مسائل اجتماعی بود. او در حوضه‌های مختلف اظهار نظر می‌کرد. او علاوه بر آثار متفکران فرانسوی به مطالعه آثار نویسندگان انگلیسی پرداخت و خصوصاً شیفته افکار جان استوارت میل حکیم پرآوازه انگلیسی گردید. وی از جمله منورالفکرانی است که توانسته است آثار متنوعی را به رشته تحریر درآورد. و بر جریان روشنفکری تازه پا گرفته ایرانیان تأثیر گذار باشد (الگار، ۱۳۶۹:۱۵۵) ملکم به مکتب مهندسی اجتماعی سن سیمون علاقه نشان داده و عجیب آنکه پراکندگی اندیشه در اعتقادات سن سیمون به خوبی در تفکرات ملکم به چشم می‌خورد (دهقان نژاد، ۱۳۸۵:۹۹)

کتابچه غیبی ملکم که در سال ۱۲۷۵ ه.ق/۱۸۵۷ م نوشت، ظاهراً اولین پیشنهاد نوسازی دستگاه دولت بود که تا مرز تبلیغ نوعی نظام سیاسی براساس دموکراسی پیش می‌رفت. در این اثر ملکم برای نخستین بار سخن از ترویج حکومت قانون می‌زند و قانون را قراردادی اجتماعی می‌خواند که شاه و مردم را در برابر یکدیگر مسؤول می‌شمارد (امانت، ۱۳۸۳: ۴۷۲)

آثاری که ملکم در مدت فعالیت سیاسی پنجاه ساله خود از ۱۲۷۵ ه.ق/۱۸۵۷ م تا ۱۳۲۶ ه.ق/۱۹۰۸ م نوشته جنبه‌های مختلف شخصیت او را نشان می‌دهد. آن آثار شامل مطالب مختلف از سیاست قانونگذاری، اقتصاد و مالیه، اخذ تمدن اروپایی، تأمین آزادی، استقرار حکومت قانونی، اصلاح آیین حکومت، اصلاح الفبا، تعلیمات جزئی تا اخلاق و سیاست خارجی و حتی انتقاد ادبی است. مجموعه آثار او را به چند قسمت می‌توان طبقه بندی کرد:

رسالات دیگر ملکم عمدتاً بر محور اصول مطال آن نوشته شدند یا به شرح مباحثی پرداختند که در «دفتر تنظیمات» به آن اشاره شده بود. از میان این رسالات، رساله «رفیق و وزیر» ملکم، به طور مشخص توضیحی است بر مطالب «دفتر تنظیمات» (آجودانی، ۱۳۸۲: ۳۰۱)

مخاطب قانون همه طبقات اجتماع بودند و سبک آن خیلی ساده و روشن و گیرا بود. دایره مطالب قانون نسبتاً محدود است و از سه موضوع اصلی بحث می‌کند: انتقاد از نظام حکومت مطلقه، لزوم اصلاح حکمرانی و ایجاد عدالت قانونی، تعلیمات حزبی و دعوت

مردم به اتحاد و اتفاق و قانون طلبی. ملکم در این روزنامه حکومت مورد نظر خود را معرفی کرده، وظایف آن را حفظ نظم و حقوق مالی و جانی مردم، همچنین اختیارات حکومت را وضع قانون، اجرای قانون و قدرت مراقبت از قانون می‌دانست. گذشته از این مسائل، قانون چند نکته اساسی را نیز مورد بحث قرار می‌دهد. یکی موضوع جلب حمایت طبقه روحانی در پیشبرد هدف‌های ملی است و موضوع دیگر توجه قانون به حقوق اجتماعی (نورائی، ۱۳۵۲: ۱۸۷)

تفکرات سیاسی میرزا ملکم خان

تفکر سیاسی میرزا ملکم خان در واقع همان لیبرالیسم است. اصول عقاید سیاسی ملکم بر سه پایه قرار دارد:

الف- مشروطیت دولت، یعنی ضرورت وجود حکومت منتظم قانونی

ب- اعتقاد بر قانونگذاری جهت حل همه مصائب کشور

پ- شناخت حقوق فردی که منشأ آن حق طبیعی آدمی است.

افکار سیاسی ملکم بیشتر تحت تأثیر فلاسفه قرن ۱۸ میلادی بخصوص منتسکیو قرار داشت. او عقاید سیاسی خود را در فتر تنظیمات که به اعتقاد خود وی، حاصل عمر سیاسی اوست بیان کرده است. آرای سیاسی ملکم خان با موجودیت دولت شروع می‌شود. از دیدگاه وی، کل مسائل یک کشور بسته به نظام دستگاه دیوان است. نظم دستگاه دیوان، محور اصلی همه نظامات است.

«همه نظم‌ها (نظم لشکر، نظم مالیات، تجارت و...) بستگی به وجود نظم در دولت دارد. عدم وجود نظم مانع اصلی ایران در اخذ ترقی غربی است. دولت سازی جامع جمیع علوم و حاصل اجتهاد و عقل بشری است.»

ملکم خان، طرح اصلاح حکومت ایران را با بحث لزوم استقرار قانون آغاز می‌کند. او در رساله مجلس تنظیمات و دفتر قانون، انواع حکومت‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. ابتدا به تعریف دولت می‌پردازد. دستگاهی که منشأ امر و نهی است را حکومت می‌گویند، هر حکمی که از حکومت صادر شود آن را قانون گویند. بعد بر اساس دیدگاه منتسکیو می‌گوید:

«حکومت دارای دو اختیار است:

- ۱- اختیار وضع قانون
- ۲- اختیار اجرای قانون

اداره قانونی کشور یعنی عمال دولت در طریقه حکم دولت اختیاری ندارد. حکومتی که اختیار وضع قانون و اجرای قانون را در اختیار پادشاه قرار دهد، ترکیب آن حکومت را سلطنت مطلق گویند.

حکومتی که اختیار وضع قانون با ملت باشد و اختیار اجرای آن با پادشاه باشد ترکیب آن حکومت را سلطنت معتدل گویند.»

ملکم برای حکومت مطلق دو تقسیم بندی در نظر می‌گیرد:

الف- سلطنت مطلق منتظم

ب- سلطنت مطلق غیر منتظم

ملکم نوع سلطنت مطلق منتظم را برای ایران مناسب می‌داند در صورتی که اصل تفکیک قوا در آن رعایت شود. از دیدملکم در واقع این اصل، درمان همه عوارض سؤسیاست است. در سلطنت مطلقه منتظم، اختیار قانونگذاری را به مجلس تنظیمات و اختیار قدرت اجرایی را به مجلس وزراء واگذار می‌کند. این دو اختیار به هیچ وجه با هم مخلوط نمی‌شود. هر حکمی که صادر می‌گردد حتماً از دستگاه قانونگذاری صادر می‌شود، رد این صورت به آن حکم قانون گویند. میرزا ملکم، درمان عقب ماندگی ایران را از طریق جاری کردن رویه قانونی و رعایت اصول تفکیک قوا می‌داند. همچنین تأسیس فراموشخانه را زمینه مناسبی می‌دانست که از طریق آموزش سیاسی گروهی از افراد برجسته کادر مناسب جهت اجرای نظرات خود را فراهم کند.

بعد از قضیه لاتاری، ملکم برای سومین بار تغییر استراتژیکی داد این بار او بصورت یک منتقد دولت درآمد. اولین شماره قانون با شعار «اتفاق - عدالت - ترقی» در سال ۱۳۰۷ ه.ق منتشر شد. ملکم در انتشار قانون دو هدف را پیگیری می‌کرد:

الف- ذکر مظالم و بیان نارضایتی‌های موجود جامعه

ب- نشان دادن اقدامات و راه حل‌هایی جهت ایجاد تغییرات اساسی در کشور.

ملکم یک دهه قبل از پیروزی نهضت مشروطیت، برای اولین بار تقاضای مجلس قانونگذاری را در شماره ۲۵ قانون مطرح ساخت. او خواهان یک رژیم پارلمانی قانونی، مرکب از دو مجلس را پیشنهاد داد که وکلای مجلس توسط ملت انتخاب می‌شوند.

میرزا ملکم خان و آزادی

میرزا ملکم دو نوشته کوتاه بدون عنوان در مورد آزادی دارد. ابتدا خلاصه محتوای این دو را مطرح و بعد به آزادی حاصل از چارچوب فکری او پرداخته خواهد شد. دو رساله کوتاه ملکم در مورد آزادی عبارت‌اند از:

۱- منافع آزادی

۲- رساله حریت

رساله منافع آزادی، شرحی است که ملکم در مورد آزادی نوشته و به احتمال زیاد، مطالب این رساله کوتاه، از کتاب «آزادی» جان استوارت میل نویسنده شهیر انگلیسی اخذ و اقتباس شده است. ملکم در رساله منافع آزادی می‌نویسد:

انسان در عالم حیوانات نوعی است که باید متصل طالب ترقی باشد. ترقی بدون «آزادی خیال» امکان پذیر نیست. نتیجه ترقی را در این روزگار تمدن می‌نامند (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۷۷-۱۷۸)

«این قسم ترقی در صورتی امکان خواهد داشت که افراد جماعات در خیالات خودشان مقید نباشند» (پیشین)

ملکم در این قطعه کوتاه روی آزادی خیال (فکر) تکیه کرده و بر آن دو نتیجه قرار می‌دهد:

۱- حق و حقیقت در اثر آزادی خیال و آزادی بیان هویدا می‌گردد.

۲- آزادی خیال (فکر) حاصلش تمدن جدید است.

ملکم در این نوشته، اشاره ای به نوع انسان شناسی خود، نکرده است. ولی با توجه به محتوای کتاب «آزادی» ملاحظه می‌شود که استدلال ملکم به نوشته‌های استوارت میل شبیه است. منتهی ملکم مقدمات اولیه جهت ضرورت این چنین برداشتی از آزادی را مطرح نکرده است.

میرزا ملکم در رساله منافع آزادی، به اهمیت آزادی خیال و آزادی بیان اشاره دارد و آن‌ها را ضامن کشف حقیقت و رسیدن جامعه به تمدن می‌داند. از دیگر نوشته‌های ملکم در مورد آزادی رساله کوتاهی است که آقای محیط طباطبایی، عنوان «حریت» را برای این نوشتار انتخاب کرده است. ملکم در این اثر، قطعه‌ای از گفتار «میرابو» از رهبران اولیه انقلاب فرانسه را ترجمه و به نقل از او قائل به دو نوع آزادی است.

«ای فرزندان فرانسه، بدانید و آگاه باشید که هر فردی از افراد بنی نوع بشر که به عالم وجود قدم نهاده است باید به حکم عقل سلیم از نعمت «حریت کامله» بهره‌مند باشد. حریت کامله دو قسم است. یکی حریت روحانیه و دیگری حریت جسمانیه». (محیط طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۵۲) ملکم در ادامه بحث می‌گوید:

«حریت روحانیه را اولیای دین و حریت جسمانیه را فرمانروایان یعنی ظالمان از ما گرفته‌اند. ما بیچارگان دو راه حل داریم یا باید در حرمان از لذت آزادی بمانیم و یا چاره درد خود را کرده و پرده غفلت را برداشته و به سعادت یعنی حریت را بدست آوریم.» (پیشین)

احتمالاً منظور میرزا ملکم از حریت روحانیه، همان عقاید مربوطه به دین است. چون از قول «میرابو» از علمای مسیحی و اربابان کلیسا شکوه و شکایت دارد که با اعمال و رفتار خودشان آزادی روحانی (آزادی عقاید) را از ملت سلب کرده‌اند.

همانطور که ملاحظه می‌شود ملکم در این دو نوشته کوتاه که بطور مستقیم در مورد آزادی سخن گفته، مجموعاً چهار نوع آزادی را مورد توجه قرار داده است. آزادی خیال (آزادی فکر)، آزادی بیان، آزادی روحانی (آزادی عقاید دینی)، آزادی جسمانی. ملکم بین آزادی فکر و آزادی گرایش به افکار (آزادی عقاید) تفاوت قائل است. منظور او از آزادی جسمانی روشن نیست. ولی عمل بازدارنده این نوع آزادی را حاکمان ظالم معرفی می‌کند. در شماره ۵ روزنامه قانون یک نمونه از ستم استبداد سیاسی را معرفی می‌کند: «استبداد سیاسی، دشمن رجال و صاحبان فضل و هنر است.»

ملکم درباره آزادی بیان، در رساله ندای عدالت انواع آن‌ها را مطرح می‌کند: «... به یکی از اصول می‌رسیم که این اصل لازمه فطرت بشری است و حکمای خارجه باجتهاد چند هزار ساله یک تدبیری پیدا کرده‌اند و این تدبیر سرچشمه ترقیات بنی آدم است. حق ازلی این است که آدم مختار باشد، افکار و عقاید خود را به آزادی بیان کند و

اختیار کلام و قلم در عصر ما سلطان کرده زمین شده است. جهد زندگی کرامات و امید کل ملل متمدنه امروز بر سر این دو کلمه است: ۱. اختیار ۲. اختیار قلم.»
آزادی بیان افکار که میرزاملکم بدان اعتقاد دارد، بوسیله اختیار کلام تحقق یافته و آزادی قلم نیز در واقع نوعی آزادی بیان است که بصورت نوشتن و احیاناً آزادی مطبوعات است.

میرزا ملکم بجز دو مورد بالا، در سایر رسالات خود بطور غیر مستقیم در مورد آزادی سخن می گوید. لذا تلاش می شود که با توجه به اندیشه سیاسی او، دیدگاهش در رابطه با آزادی مورد توجه قرار گیرد.

اصول اعتقادات ملکم که از آن‌ها می توان نظراتش را در مورد آزادی بدست آورد.

شامل:

۱- فلسفه اجتماعی

۲- اندیشه سیاسی

۳- دیدگاه اقتصادی او می باشد.

در ادامه به تحلیل دو مورد نخست یعنی فلسفه اجتماعی و اندیشه سیاسی وی خواهیم پرداخت و به جهت پرهیز از اطاله کلام دیدگاه‌های اقتصادی وی در این رساله مورد بحث قرار نخواهد گرفت.

فلسفه اجتماعی و اندیشه سیاسی میرزا ملکم خان

فلسفه اجتماعی که ملکم بدان اعتقاد داشت، دارای سه عنصر اصالت عقل بشر، اصالت علم و قبول قانون ترقی پذیری انسان بود. عقل مورد نظر او عقل عصر روشنگری است. از دیدوی همراهی عقل و علم ضروری است و بدون علم نمی توان به ترقی و مدنیت جدید دست یافت علم و عقل در فضای تسامح و مدارا و تحمل آراء با یکدیگر گسترش می یابد. فلسفه اجتماعی ملکم و اعتقاد به اصالت عقل و ترقی پذیری انسان، در فضای آزادی عرصه ظهور دارد. مدنیت از دیدملکم حاصل عقل و علم و ترقی پذیری انسان دارد. مدنیت جدید ارکانی دارد که یک رکن آن امتیاز فضلی است، رکن دیگر آن آزادی است که شامل انواعی از آزادی‌هاست. ملکم در رساله «صراط المستقیم» علم‌الابدان را سیاست مدن تعریف می کند که انتظام عالم به سیاست مدن که ارکان آن عبارت‌اند از: اطمینان مالی

و جانی، مساوات اختیار آزادی و امتیاز فضلی است. او برای اختیار و آزادی انواعی را بر می‌شمارد: اختیار بدنی، اختیار زبانی (آزادی بیان)، اختیار قلم (آزادی مطبوعات) و اختیار خیال (آزادی فکر) و اختیار جماعت (آزادی تشکیل احزاب)؛ ملکم مفاهیم، عقل، علم و ترقی و مدنیت را در ذهن خود طوری انسجام می‌دهد که تحقق هر یک از آن‌ها در سایه اختیار و آزادی قانونی قابل حصول می‌داند.

مشروعیت حکومت

منظور ملکم از «مشروعیت دولت» یعنی اداره «قانونی کشور» است. او تحت تأثیر فلسفه تجربی غرب، وقتی خرابی ایران را و شکوه عظمت غرب را مشاهده و مقایسه می‌کند به این نتیجه می‌رسد که نوع اداره حکومت در ایران «اداره اختیاری» و نوع اداره در غرب، «اداره قانونی» است.

از دیدگاه او «اداره قانونی» کشور وقتی تحقق می‌یابد که اختیار وضع قانون و اختیار اجرای قانون از یکدیگر جدا باشد. از دیدملکم وقتی مشروعیت دولت حاصل شود، قدرت حکومتی محدود و حاصل آن بوجود آمدن فضای آزادی است.

تا اینجا تناقضی بین افکار ملکم در رابطه با آزاد بوجود نمی‌آید و می‌توان گفت که هماهنگی و انسجام درونی حداقل از لحاظ نظری در اندیشه او وجود دارد.

حاکمیت قانون

دومین قسمت از اندیشه‌های سیاسی ملکم اعتقاد به حکومت قانون است ملکم بحث مفصلی در مورد حکومت قانون دارد. در اغلب رسالات خود از ضرورت حکومت قانون دفاع کرده است. حال این سؤال مطرح است که «آزادی» در سیستم حکومتی او چه جایگاهی دارد؟ چگونه می‌توان از پیشنهاد سیستم حکومتی که برای ایران آن روز ارائه داده تلقی او را درباره آزادی بدست آورد؟ مفهوم آزادی که از این طریق نتیجه گیری می‌شود از چه نوع آزادی است؟ آیا آزادی از نوع لیبرالیسم که اغلب بصورت آزادی منفی است را می‌توان از آن نتیجه گیری کرد؟ در لیبرالیسم، انسان آزاد کسی است که اگر میل به انجام کاری داشته باشد و قدرت انجام آن را نیز داشته باشد با مانع و رادعی مواجه نشود. حال باید دید آزادی که از حاکمیت قانون ملکم بدست می‌آید از چه نوع آزادی است؟

ملکم در رساله «کتابچه غیبی» یا دفتر تنظیمات خطاب به مشیرالدوله، سیستم حکومتی مورد نظر خود را جهت ایران آن روز پیشنهاد می‌دهد. او ابتدا بعضی اصلاحات اصول تمدن جدید را توضیح می‌دهد. حکومت قانون را بعنوان دستگاہی که منشأ امر و نهی بوده؛ تعریف می‌کند. حکم حکومت را قانون می‌گوید، ملکم ابتدا قانون را تعریف می‌کند از نظر او:

۱. قانون حکمی است که از طرف حکومت صادر شده باشد.
۲. قانون مبتنی بر اصلاح کشور و نفع عامه مردم است.
۳. قانون به نحو خاصی تدوین می‌گردد.
۴. چنین قانونی اطاعتش بر همه مردم بالتساوی ضرورت دارد.

منظور ملکم از قانون، قانون عرفی که مربوط به امور دنیوی است و بالطبع چنین قانونی ممکن است با قوانین دینی مغایرت داشته باشد. ملکم وجه اشتراک و تمایز چنین قانونی را با قوانین شرعی و دینی معلوم نمی‌دارد و ترجیح می‌دهد در این زمینه سکوت کند.

ملکم از یک طرف اراده، قانونی کشور را به رعایت تفکیک قوا ارجاع می‌دهد و از طرف دیگر همه قدرت را به شاه واگذار می‌کند و او را مسئول اختلاط قوا می‌کند. ملکم در واقع با این نوع نظام حکومتی قصد داشت. ضمن رعایت اصل تفکیک قوا حکومت مطلقه را در چارچوب قوانین محدود نماید.

متفکرین غربی که ملکم غالب نظرات خود را از آن‌ها اقتباس کرده بطرق گوناگون اقتدار و قدرت دولت را محدود کرده بودند. یکی از شیوه‌های محدود کردن قدرت و اقتدار دولت این بوده که شرط مشروع بودن قدرت دولت بر پایه رضایت عمومی حکومت شوندگان قرار دهند. در اینجا بود که دموکراسی تولد یافت. انتخابات دوره ای هرچند یکبار، مسئولین حکومتی را تغییر و تحول می‌داد و دخالت مردم در امر حکومتی مشروعیت می‌بخشید. ولی ملکم عقیده داشت که سلطنت معتدل، که در واقع مکانیسم اجرای این ایده بود برای ایران آن روز مناسب نیست. پس با این حساب مردم ایران نمی‌توانند با اختیار وضع قانون و انتخاب حکومت کنندگان، حکومت را محدود و مقید نمایند. ملکم به هر دلیل که بود مخالف مشروعیت بخشیدن حکومت از طریق مردم بود.

از دیگر سازوکارهایی که برای کنترل دولت در غرب معمول بود، اجرای اصل تفکیک قوا بود. اگر هر سه قوه در دست یک نهاد باشد، اختلاط قوا باشد، اقتدار مطلق بوجود می‌آید. در نتیجه حقوق فرد و آزادی در معرض اضمحلال قرار می‌گیرد. لذا جایی از یکدیگر و نظارت هر یک بر دیگری از ابزارهایی است که دولت و حکومت را در چارچوب محدود کننده‌ای از مقررات و قوانین قرار می‌دهد. در نتیجه قدرت و حکومت را محدود می‌کند.

ملکم با تلفیقی از نظرات مختلف و با محوریت اندیشه سیاسی منتسکیو، شیوه حکومتی سلطنت مطلق منتظم را پیشنهاد می‌کند. از دید منتسکیو، دستیابی به حکومت قانون، یعنی آزادی، تفکیک قوا و جدایی سه قوه از یکدیگر و سپردن هر یک به نهادی مستقل موجب فراهم آمدن سیاست آزادی می‌شود. منتسکیو عقیده داشت که آزادی در چارچوب قانون امکان پذیر است. در واقع آزادی حق اعمال هر چیزی است که قوانین اجازه می‌دهد. قوانین نیز همان روابط ضرورتی امور و جهان واقعی است.

وی در تشریح طرح خود از ساختار سیاسی دولت‌ها در دفتر تنظیمات با تشریح انواع حکومت‌ها آغاز می‌کند و با تقسیم انواع حکومت‌ها به جمهوری و سلطنتی از دو نوع حکومت سلطنتی مطلقه و معتدله سخن می‌گوید. او در ادامه این توصیفات نظام مطلوب مورد نظر خویش را برای ایران سلطنت مطلقه منتظم می‌داند (اصیل، ۱۳۸۱: ۳۱). او در تعریف نظام سیاسی مطلوب خود می‌نویسد:

«در یک ملک چنان دستگاهی مقرر شود که هیچ امیر، هیچ وزیر، هیچ پادشاه، و هیچ امپراطوری، خواه با انصاف خواه بی رحم، خواه دارای فضایل، خواه مملو از شقاوت، در هیچ صورت، هرگز به هیچ وجه نتواند بدون حکم عدالت قانونی به حقوق هیچ کس به قدر ذره ای خلل وارد بیاورد» (اصیل، ۱۳۸۱: ۳۸)

بدین ترتیب او با طرح مفهوم قانون سعی می‌کند با تفکیک پادشاه از دولت جایگاه پادشاه را در یک زمینه قانونی معین ترسیم کند تا تصمیمات خودسرانه و غیرقانون مند را از او سلب کند. ملکم که این رساله را به مشیرالدوله تقدیم می‌کند، سعی دارد تا او را در مأموریتی که برای نظام مند کردن تصمیمات دولت و برقراری نوعی نظم بر سازوکار تصمیم گیری‌های دربار در پیش گرفته است، یاری کند. ملکم خان به او می‌آموزد که چگونه با تشکیل شورای دولت و دستگاه دیوان تصمیمات پادشاه را صورتی قانونمند

دهد. البته در طرح ملکم خان پادشاه همچنان در صدر دولت قرار دارد، چرا که به عقیده ملکم خان در ایران نظام مطلوب، همان پادشاهی مطلقه منظم است. اما در متن این تعبیر و تعاریف، دغدغه قانون مند کردن قدرت بی حد و حصر پادشاه آشکار است.

ملکم چون قدرت حکومت را از طریق مقید کردن حکومت به قانون محدود می‌کند، در واقع اجبار و مداخله دولت را بر فرد محدود می‌نماید، پس می‌توان نتیجه گرفت که آزادی از دیدگاه وی آزادی سیاسی اجتماعی است و به نوعی به «آزادی منفی» نزدیک می‌شود. ولی از طرف دیگر وظایف دولت، در محدوده وظایف دولت حداقل مورد نظر لیبرال‌ها نیست. شاید بتوان گفت که اگر لیبرال انگلیسی بطور مستقیم خواهان رعایت حداقل ضرورت برای دولت است بخاطر این است که فرد در حوزه بیشتری آزادی فعالیت داشته باشد چون از دید قدرت دولت را تهدید جدی برای فرد و آزادی او بشمار می‌آورد. پس اگر آزادی منفی را بمعنی فقدان مانع در نظر بگیریم و یکی از موانع بر سر راه انسان را قدرت و اقتدار بی حد و حصر دولت در نظر بگیریم، یکی از صور آزادی منفی، فقدان محدودیت دولت است و ملکم با طرح سلطنت مطلق منتظم و رعایت اصل تفکیک قوا، در واقع اقتدار بی حد و حصر قدرت دولت را در چارچوب قوانین و مقررات قرار می‌دهد. ملکم در دوره سوم زندگی سیاسی خود، وقتی دست به انتشار روزنامه «قانون» زد. خواهان حاکمیتی قانون از طریق نظام حکومتی مشروطه گردید. او در روزنامه شماره ۱ قانون می‌نویسد:

«تاکنون عقلائی ایران، سال‌ها در پی آن بودند که تحقق قانون را از دولت و وزیران بخواهند ولی باید دانست که استقرار قانون، فقط به اراده پادشاه میسر نخواهد شد. اگر وزراء و عقلا و بلکه عموم خلق یک ملک طالب قانون نباشند، وضع قانون در آن ملک یک واقعه موقتی است» (روزنامه قانون، شماره ۱)

ملکم در دوره سوم زندگی سیاسی خود حداقل از لحاظ نظری به نظام حکومتی معتدل که در آن نمایندگان مجلس توسط ملت انتخاب شوند توجه کرده است. او در دوره اول زندگی سیاسی خود تغییر اصول سیاست را بر پایه انقلاب از بالا و راضی کردن پادشاه و دولت به قبول تغییرات دنبال می‌کرد ولی بعد از شکست آن دیدگاه به نظام حکومتی مشروطه روی آورد (بلوری، ۱۳۷۶: ۸۳)

حقوق فردی و اجتماعی

سومین عنصر از اندیشه سیاسی ملکم، بحث در مورد حقوق فردی و اجتماعی افراد ملت است او در رساله دفتر تنظیمات، اصولی را به عنوان حقوق ملت بشرح دیل اعلام می‌دارد:

۱- قانون در حق جمیع افراد رعایای ایران حکم مساوی دارد.

۲- هیچ شغلی دویانی موروثی نیست.

۳- هیچ یک از افراد ایرانی را نمی‌توان حبس کرد مگر به حکم قانون

۴- عقاید اهل ایران آزاد خواهد بود.

ملکم خان «آزادی قانونی» را آزادی ممدوح می‌گوید. زیرا اداره قانون کشور سبب می‌شود که دولت و حکومت قوانین لازم در زمینه‌های مختلف را تدوین کنند هر فردی در بین چنین جامعه‌ای در چارچوب قوانین مصوب آزادی خواهد داشت. ملکم، میزان وحد همه نوع آزادی را بر اساس قانون قرار می‌دهد.

به عقیده برخی نویسندگان این تفسیر از آزادی بیش از هر چیز قرابت بسیاری با مفهوم آزادی مثبت دارد. در مفهوم آزادی مثبت، آزادی شهروندان برای دستیابی به حقوقی معین در نظر گرفته می‌شود که این «آزادی برای» حقوقی خاص در پرتو پیش شرط‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ویژه‌ای ممکن می‌شود. از این رو قائلین به آزادی مثبت بر لزوم فراهم آوردن «شرایط امکان» تحقق آزادی پافشاری می‌کنند. البته در این مفهوم از آزادی مثبت سیاست‌های اقتصادی دولت هرگز مورد توجه این نواندیشان نبوده و تنها جنبه اثباتی آزادی مورد نظر بوده است (لطفی نژاد، ۱۳۸۶: ۲۴).

به عبارتی تا زمانی که محدوده تعهدات حقوقی شهروندان مشخص نباشد، عرصه فراغت از تعهدات حقوقی و در واقع آزادی‌های شهروندی نیز معین نمی‌شود. قانون اگرچه حد گذار و مرز آفرین است، اما زمانی که سخن از مرز به میان می‌آید، بلاشک دو منطقه مجزا نیز به دنبال آن می‌آید که این دو منطقه یکی حوزه تعهدات حقوقی و دیگری حوزه آزادی‌های شهروندی است. بدین ترتیب در شرایطی که هیچ حقی برای برخورداری شهروندان از آزادی متصور نبوده است، وجود قانون نقشی اثباتی در تعریف آزادی‌ها، هرچند به مفهومی حداقلی، ایفا می‌کند. این تحلیل ما را درک این نکته کمک می‌کند که چرا در متونی مانند فقره زیر هر جا سخن از آزادی به میان می‌آمده، کمتر ذکر مرزهای قانونی آزادی فراموش می‌شده است. ملکم در این زمینه می‌گوید:

«اما در ایران حتی بعضی از عقلای ما معنی آزادی را به کلی مشتبه کرده‌اند. هیچ کس نگفته است که باید به مردم آزادی بدهیم که هر چه به دهن شان می‌آید بگویند. بلی، عموم طوایف خارجه به جهت ترقی و آبادی ملک، به جز آزادی، حرف دیگر ندارند، اما چه آزادی، آزادی قانونی نه آزادی دل بخواه..» (اصیل، ۱۳۸۱: ۱۴۵)

تصویر این مفهوم از آزادی که به مفهوم آزادی مثبت نزدیک است در بطن خود، ما را به تولد مفهوم جدیدی در فاهمه این نواندیشان لیبرال رهنمون می‌شود. حمایت از تعیین مرزهای تعهدهای حقوقی در سایه قوانین معین و مدون، خود از دغدغه این نواندیشان برای تعیین حقوق و عرصه آزادی‌های شهروندی حکایت می‌کند. و بدین ترتیب مفهوم حق در این میان متولد می‌شود.

با توصیفی که از شرایط ایران در اوان مشروطیت در مورد جایگاه شهروندان و رعیت در برابر پادشاه می‌شود، پرواضح است که دیگر جایی برای تعریف حقی مانند "حق آزادی" برای شهروندان نمی‌ماند. از آنجا که هر آنچه شهروندان در زندگی خود دارند، اولاً و بالذات به سلطان تعلق دارد و ثانیاً و بالعرض به دلیل لطف همایونی به ملکیت آن‌ها درآمده است، پس هر گاه که نظر همایونی بر مصادره آن قرار می‌گرفت، بازستاندن آن ضروری و اجتناب ناپذیر می‌نمود. در چنین رابطه‌ای دیگر حقی، هر چند مضیق، برای شهروندان متصور نبود. دغدغه حق مالکیت و دیگر حقوق شهروندی پیوسته فصل جدایی ناپذیری از اندیشه نواندیشان لیبرال این دوره است که سعی می‌کنند بعد از هر فقره توصیفی که از رذائل استبداد ارائه می‌کردند، از تشریح حقوق و آزادی‌های انسانی غافل نشوند. به عبارتی حق، قانون و آزادی سه مؤلفه یک زنجیر به شمار می‌رفتند که در آراء این نواندیشان پیوسته حضور داشته است. ملکم خان در رساله ندای عدالت در توضیح مفهوم آزادی اینچنین می‌نویسد:

«برای توضیح معنی آزادی، اول باید این معنی را فهمید که در عالم هیچ حق و تکلیفی نیست که حد معینی نداشته باشد و حد آزادی این است که آزادی هیچ کس به حق هیچ کس خللی وارد نیابد. بعد از آن که حقوق و تکالیف عامه به حکم قوانین مقرر شد و به اقتضای اساس قانونی دیوانخانه‌های عدلیه برپا شدند، دیگر کیست که بتواند بدون جزا در حق دیگری حرف ناحق بزند» (اصیل، ۱۳۸۱: ۱۴۵-۱۴۶)

در اینجا به صورت صریح هدف خود را از طرح مفهوم قانون و برپایی عدلیه تشریح می‌کند. این سخن ملکم متضمن آن است که آزادی سلطان نیز نباید به محدوده آزادی‌های دیگر افراد وارد شود. تصور وجود چنین حقی برای شهروندان در آن روزگار و با توجه به مفهوم و جایگاهی که برای سلطان تعریف می‌شد، اهمیت تولد مفهوم حق شهروندی برای آزادی را روشن تر می‌کند. جان کلام ملکم در این رساله آن است که تحقق عدالت در گرو تعیین حقوق و اعطای آزادی، یعنی همان سرچشمه همه "فیوضات هستی"، است و تأکید می‌کند که "آفتاب عدالت در یک ملک طلوع نمی‌کند مگر وقتی که اهل آن ملک به حفظ حقوق آدمیت، خود را مستحق عدالت ساخته باشند" (ناظم الدوله، ۱۳۸۱: ۱۵۱). او حق برخورداری آزادی را برگرفته از ذات و سرشت آدمی می‌داند. تأکیدی که او بر آزادی به عنوان حق ازلی انسان دارد، ویژگی منحصر به فرد لیبرالی برای ملکم به شمار می‌رود. همانطور که بیان شد ملکم میزان و حد همه انواع آزادی را بر اساس قانون قرار می‌دهد:

۱- اختیار زبان (آزادی بیان): از دیدگاه وی یعنی هرکس خلاف قانونی را مشاهده کرد آزاد است بگوید یا شکایت کند و اگر متعددی بخواهد خلاف قانون رفتار کند، شخص خوف اینکه بگوید و یا بنویسد و یا شکایت کند را نداشته باشد. اختیار زبان بمعنی هر آنچه که شخص مایل است به زبان جاری کند نیست. او در ندای عدالت می‌گوید:

«کهنه پرستان ایران... می‌گویند اگر بمردم اختیار قلم و کلام بدهیم عادت به هرزه گویی خلق ایران، کارگزاران دولت را آنی آرام نخواهد گذاشت... من نمی‌گویم بمردم آزادی بدهیم که هر چه بدهانشان می‌آید بگویند، آزادی مورد نظر من آزادی قانون است و نه آزادی دلخواهانه. در عالم هیچ حق و تکلیفی نیست که حد معین نداشته باشد و حد آزادی این است که هیچ کس بحق هیچ کس خلل وارد نیاورد.» (محیط طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۰۸)

آزادی قلم نیز از منظر ملکم همین معنی و مفهوم را دارد و حد آن در محدوده قانون است.

۲- آزادی خیال، یعنی هرکس در افکار خود آزاد است، خواه در عقاید دینی که به اجتهاد عقلی در می‌یابد و خواه در امور دنیوی که به «جولان خیالات، مطالب دقیق» را در

می‌یابد. هرکس در تنظیم عقاید دینی آزاد است. اگر افکار افراد موافق قانون باشد، فی‌المورد، ولی اگر نیست مادامی که به فعلیت درنیامده است کسی نباید مانع آزادی خیال دیگران بشود.

۳- از آزادی‌های مورد نظر ملکم، «آزادی جماعت» است، آزادی جماعت یعنی افراد کشور می‌توانند دور هم جمع شده و در انجام کارهایی که خیر و نفع ملت و مملکت در آن است شرکت عملی داشته باشند.

اهمیت آزادی جماعت برای ملکم بحدی است که یکی از اهداف انتشار روزنامه قانون را «اتفاق جمعی» ذکر می‌کند. اغلب بحث‌های «قانون» در چگونگی ترتیب اتفاق ملی و ترویج و تشکیل جمعیت‌های سیاسی و مأموریت روزنامه قانون، «انتشار حقایق، ترتیب اتفاق، طلب قانون ...» است.

۱۴۳

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

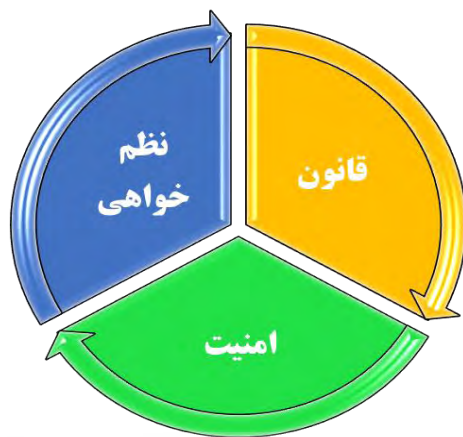
تحلیل گفتمان میرزا
ملکم خان پیرامون
مفهوم آزادی در
انقلاب مشروطیت

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که در خصوص تحلیل گفتمان میرزا ملکم خان پیرامون آزادی در دروان مشروطیت گفته شد باید اذعان نمود که دال مرکزی تفکر میرزا ملکم خان در رابطه با گفتمان آزادی، قانون، امنیت و نظم خواهی است. در نتیجه بحث از قانون منجر به بحث از آزادی می‌شود و قانون و آزادی متقابلاً برای بنیان گرفتن به یکدیگر نیاز دارند و یکی بدون دیگری فرض محال است. برای ملکم قانون و آزادی مستلزم یکدیگر است و همین اعتقاد مهم‌ترین اصل نظام پیشنهادی او و زیربنای تمام افکار او است.

در بررسی و تحلیل گفتمان میرزا ملکم خان پیرامون آزادی در انقلاب مشروطیت این گفتمان را با مفاهیمی همچون «ممانعت از استبداد»، «دستیابی به حکومت قانون»، «محدود شدن سلطنت»، «آزادی زبان و خیال» و «آزادی جماعت» می‌توان مفصل بندی نمود. در ادامه به ترسیم الگوی مفهومی دال مرکزی و مفصل بندی گفتمان موصوف خواهیم پرداخت.

دال مرکزی گفتمان میرزا ملکم پیرامون آزادی



۱۴۴

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره (سال) ۱۱،

شماره ۳، پایانی

۴۲، پاییز ۱۴۰۰

مفصل بندی گفتمان میرزا ملکم خان پیرامون مفهوم آزادی



منابع

- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۹۱). «نقد و ارزیابی تحلیلی گفتمانی لاکلا و کاربرد آن در سیاست»، *سیاست*، شماره ۲۴.
- اصیل، حجت الله. (۱۳۷۶). *زندگی و اندیشه میرزا ملکم خان ناظم الدوله*، تهران: نشرنی. افسرده، عطاالله؛ جلال پور، شیوا؛ عامری گلستانی، حامد. (۱۳۹۷). «واکوی جایگاه حقوق طبیعی فرد در قانون اساسی مشروطه»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، دوره ۱۳، شماره ۳. امانت، عباس. (۱۳۸۳). *قبله عالم، ناصرالدین شاه و پادشاهی ایران*، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نشر کارنامه.
- آبادیان، حسین. (۱۳۷۴). *مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه*، تهران: نشر نی.
- آجودانی، ماشاالله. (۱۳۸۷). *مشروطه ایرانی به رضا شاه ختم شد*، هفته نامه شهروند امروز، سال سوم.
- بلوری، محمد اسماعیل. (۱۳۷۶). «اندیشه آزادی از دیدگاه میرزا ملکم، شیخ اسماعیل غروی، شیخ فضل الله نوری»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- حشمتی، ماشاالله. (۱۳۸۳). «مفهوم شناسی آزادی در عصر مشروطیت»، *نشریه معرفت*، شماره ۸۶.
- حقیقت، سیدصادق؛ حسین زاده، محمدعلی. (۱۳۸۷). «گفتمان» در: *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، به اهتمام عباس منوچهری، تهران: سمت.
- دیناروند، زهرا. (۱۳۸۹). «بررسی اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی میرزا ملکم خان در روزنامه قانون»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- رائین، اسماعیل. (۱۳۵۵). *انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات جاویدان.
- روزنامه وقایع اتفاقیه. (۱۳۷۳). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۷). *قدرت، گفتمان و زبان، سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی*، تهران: نشرنی.
- سلیمانی دهکردی، کریم؛ رفعتی پناه مهرآبادی، مهدی. (۱۳۹۳). «مفهوم آزادی نزد روشنفکران ایرانی پیش از انقلاب مشروطه»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، شماره ۲۲.

- شاه علی، مریم. (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی آراء ملکم خان و آخوندزاده در باب حکومت»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- طباطبایی، سید جواد. (۱۳۸۶). *نظریه حکومت قانون*، تهران: نشر ستوده.
- طلوعی، محمود. (۱۳۸۷). *دانشنامه تاریخ*، تهران: نشر علم.
- لطفی نژاد، روح الله. (۱۳۸۶). «مشروطیت و لیبرالیسم؛ قانون به مثابه آزادی»، *ره آورد سیاسی*، شماره ۱۵.
- مارش، دیوید؛ استوکر، جری. (۱۳۷۸). *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمودی، عبدالصمد. (۱۳۹۰). «سیر تحول مفهوم آزادی در مطبوعات ایران (مطالعه تطبیقی انقلاب مشروطه و اسلامی با تأکید بر دو روزنامه صوراسرافیل و کیهان)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- محیط طباطبایی، محمد. (۱۳۶۳). *مجموعه آثار میرزا ملکم خان*، تهران: نشر علمی.
- مک دانل، دایان. (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
- میرزایی، محمد؛ ربانی خوارسگانی، علی. (۱۳۹۳). «ایدئولوژی، سوژه، هژمونی و امر سیاسی در بستر نظریه گفتمان»، *غرب شناسی بنیادی*، سال ۵، شماره ۱.
- نورائی، فرشته. (۱۳۵۲). *میرزا ملکم خان ناظم الدوله*، تهران: کتاب‌های جیبی.